

مدل مفهومی فرایندی سفاقت بر اساس منابع اسلامی*

A Process-Oriented Conceptual Model of Safahat (feeble-mindedness) Based on Islamic Sources *

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

محمدحسین حق شناس / دکتری روان شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

محمدباقر عادل / کارشناسی ارشد روان شناسی مثبت گرا، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Hamid Rafiei-Honar / Assistant Professor, Faculty member of department of education, the Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.rafiiee@isca.ac.ir

✉ **Mohammad Hossein Hagh-Shenas** / PhD in General Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. m.haghshenas2976@gmail.com

Mohammad Bagher Adel / MSc in Positive Psychology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran. M.B.ADEL395@gmail.com

Abstract

The present study was conducted with the aim of developing a process-oriented conceptual model of safahat (feeble-mindedness) based on Islamic sources. To this end, first, by determining the unit of semantic analysis, the verses of the Holy Quran and narrations (hadiths) were examined, and the themes related to the derivatives of safah were extracted and coded in three stages. The research method in this study was qualitative content analysis (conventional and conventional-directed), and the triangulation technique (combination and integration) was used as a strategic method to enhance the scientific rigor of the qualitative research. Based on Islamic sources, according to the obtained model, the contexts, core elements, domains,

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی فرایندی سفاقت بر اساس منابع اسلامی انجام شد. بدین منظور ابتدا با تعیین واحد تحلیل معنایی، آیات قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار گرفت و مضامین مربوط به مشتقات سَفَه استخراج و در سه مرحله کدگذاری شد. روش پژوهش در این تحقیق تحلیل محتوای کیفی (عرفی و قراردادی) بود و روش راهبردی برای ارتقای دقت علمی در تحقیق کیفی از تکنیک مثلث سازی (ترکیب و تلفیق) استفاده شد. بر اساس منابع اسلامی، طبق مدل به دست آمده، زمینه ها، عناصر هسته ای، حوزه ها، پیامدها و راهبردهای مواجهه با سفاقت به دست آمد.

* این مقاله با حمایت واحد پژوهش مرکز مشاوره سماح تدوین و منتشر شده است.

* This article has been prepared and published with the support of the Research Unit of Samah Counseling Center.

consequences, and coping strategies regarding sefahat were identified. The main elements and components of sefahat include: deficient cognition, emotional instability, and hasty acceptance; and the contexts include the lack of connection with the transcendent source of knowledge and lack of inquisitiveness. The domains of sefahat were categorized into ideological, moral, social, political, and economic issues. The worldly and otherworldly consequences of the foolish act, the act of disputing with the foolish person, and the act of avoiding the foolish person were extracted. Finally, preventive strategies and harm reduction strategies in dealing with the foolish person were examined and addressed.

Key words: process model of sefahat , sefahat (feeble-mindedness), irrationality, ignorance.

عناصر و مؤلفه‌های اصلی سفاهت عبارت‌اند از: شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی و پذیرش سریع؛ و زمینه‌ها شامل عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری؛ و حوزه‌های سفاهت در موضوعات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم‌بندی شدند و پیامدهای دنیوی و اخروی فعل سفیه، فعل جدال با سفیه، فعل دوری‌گزینی از سفیه استخراج و در پایان راهبردهای پیشگیرانه و کاهش آسیب در مواجهه با فرد سفیه مورد توجه و بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: مدل فرایندی سفاهت، سفاهت، نابخردی، جهل.

مقدمه

سفاهت امری بی‌مرز و محدودیت است و ممکن است به همه سرایت کند و گاهی فرد سرچشمه سفاهت قرار می‌گیرد؛ چراکه اکثراً با توجه به تکنولوژی و فضاهای مجازی موجود، هر نوع اخباری را می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند و بدون اینکه از منشأ خبر جويا شوند آن را قبول نموده و به ندرت متوجه بلاهت‌شان می‌شوند (مارمیون،^۱ ۲۰۲۰). موضوع و مسئله سفاهت مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی است و این موضوع در شناخت و ادراک اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه شناخت و ادراک اجتماعی زیربنای فهم فرد را از دنیای اجتماعی شکل می‌دهند و شناخت اجتماعی درصدد مشخص کردن چگونگی توجه کردن به اطلاعات اجتماعی است (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۸). از جمله نظریه‌های مطرح، نظریه شناخت اجتماعی است که مبتنی بر الگوی علی سه جانبه رفتار، محیط و فرد است. این الگو به ارتباط بین رفتار، اثرهای محیطی و عوامل فردی که به ادراک فرد برای توصیف کارکردهای روان‌شناختی اشاره دارد، تأکید می‌کند (هرگنهان و اولسون، ۲۰۰۷، ص ۷۶). بر اساس این نظریه، افراد در نظام علیت سه جانبه، بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷).

1. Marmion. J. F.

2. Hrgnhan. B. R. & Olson, M. H.

در کل تاریخ چیزی که سبب انحطاط یک قوم شده است، به جهت ابتلای مردم آن قوم، به مرض سفاهت است؛ همانند قوم بنی اسرائیل به موسی علیه السلام پیشنهاد کردند از خدا بخواهد خود را نشان دهد (اعراف: ۱۵۵)؛ همچنین جریان گوساله‌پرستی آنان (بقره: ۵۱، ۵۴، ۹۲ و ۹۳؛ نساء: ۵۳؛ طه: ۸۸) و یا قوم نوح، هود، صالح، لوط، عاد و شعیب ملت‌هایی بودند که با انحرافات عقیده‌ای مخصوصاً بت‌پرستی و مفاسد اخلاقی در میان آنها منجر به انحطاط آنها گشت (اعراف: ۵۹-۱۰۲)، که بر اساس آیات و روایات زمینه این مشکل از جهالت و سفاهت آنان بوده است.

سفاهت ارتباط نزدیکی با گرایش فرد به باور گزاره‌های بعید دارد. بنابراین سفاهت عاملی در فرآیندهای نفوذ اجتماعی است، و تمایل فرد به اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده را تسهیل می‌کند (جوزف و همکاران،^۱ ۲۰۱۹). درحقیقت سفاهت طیف شگفت‌انگیزی از جاهلان پوچ و اغلب شرور و خشن را ایجاد می‌کند؛ از این رو لازم است برای درک، پیش‌بینی و کنترل دنیای اجتماعی و فیزیکی انسان‌های سفیه تلاش شود (جوزف و همکاران، ۲۰۱۹).

در آموزه‌های دین اسلام سفاهت در قالب مفاهیم همچون بُلَه، سفاهت، سازج، حُوق مورد توجه قرار گرفته است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که می‌فرماید: «إِنَّ السَّفَهَ خُلُقٌ لَّئِيمٌ يَسْتَطِيلُ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَيَخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ»؛ سفاهت به راستی خوی پستی است، صاحب آن بر زبردستش گردن فرازی کند، و بر بالا دست خود زبونی کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۲). چراکه مجلسی، سفاهت را به سبک عقلی و پیشی گرفتن در گفتار و کردار بدون تفکر تعبیر می‌کند (کلینی، ۱۳۶۹)، و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّكَ أَسْرَّ مَا تَكُونُ مِنْ نَاجِيَّتِهِ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ إِلَى مَسَاءَتِكَ»؛ بپرهیز از دوستی با احمق؛ زیرا هرچه به دوستی او خوشحال‌تر باشی، خطر زیان رساندن او به واسطه حماقتش به تو نزدیک‌تر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۲).

با توجه به جست‌وجو و بررسی‌ها در پژوهش‌های انجام‌شده، این مفاهیم در درک، پیش‌بینی و کنترل دنیای اجتماعی سفیهان در راستای ارتباط اجتماعی، پژوهشی صورت نگرفته و پژوهش‌ها از این جهات دارای نقصان می‌باشند. برخی از پژوهش‌ها تنها به واکاوی و مفهوم‌شناسی مفاهیم پرداختند؛ از جمله پژوهش فرجامی و معصومی (۱۴۰۰) می‌باشد، و برخی از پژوهش‌ها تنها به حکم فقهی مفهوم سفاهت پرداختند که می‌توان پژوهش منتظری شاهرودی (۱۳۹۱)، عامری و پورجوهری (۱۴۰۰) و الشریف، جلالی و اکرمی ابرقوئی (۱۳۹۴) را نام برد، و پژوهشی برای مفهوم سفیه از اکرمی (۱۳۹۹) نیز در راستای اقرار سفیه در دعاوی کیفری که نقدی بر ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی است، پرداخته

شده است. پژوهشی دیگر از حائری، صباغی ندوشن (۱۳۹۵) درباره تأملی در قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیهانه با تأکید بر آیه ممنوعیت اکل مال به باطل انجام گرفته است، و پایان‌نامه‌هایی به موضوع حکمت و سفاهت در قرآن کریم (علیزاده قایمیه، ۱۳۸۹) و بررسی مفهوم سفاهت و مراتب آن و حدود اختیارت ولی سفیه در فقه امامیه و اهل سنت (صادق سلیمانی، ۱۳۹۳) انجام شده است؛ از این رو پژوهش‌های نام برده شده از جهات منابع انتخابی، عدم جامعیت در مفاهیم دخیل به صورت منسجم، و همچنین از جهت فرایند کار و جهت‌گیری در آن با پژوهش حاضر در تمایز قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های پژوهش حاضر ضمن اینکه کارکردها، اجزا و مؤلفه‌های مفهومی سفاهت بر اساس منابع اسلامی را استخراج می‌نماید، توانمندی‌های شناختی افراد در روابط اجتماعی را بالا و نسبت به جنبه‌های مختلف سفاهت مبتنی بر آموزه‌های دینی آگاهی می‌یابند که با مدل مفهومی فرایندی سفاهت بر اساس منابع اسلامی این تأثیرات بر روی افراد خواهد گذاشت؛ همچنین از ریشه و زمینه‌ها، محدوده و قلمرو سفاهت شناخت و آگاهی خواهیم یافت که افراد را در ادراک و شناخت اجتماعی افزایش خواهد داد. بر اساس آنچه گذشت، تحقیق حاضر به پاسخ این سؤال می‌پردازد که مدل مفهومی فرایندی سفاهت بر اساس منابع اسلامی چیست؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی و با هدف تدوین الگوی مفهومی فرایندی سفاهت انجام شد. در این روش مؤلفه‌های ناشناخته یک مفهوم کشف می‌شود. در این پژوهش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعه و تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی مرتبط بود؛ لذا جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شد.

پژوهش حاضر این مراحل را شامل شد: گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه متون اسلامی مرتبط، تجزیه و تحلیل اطلاعات استخراج‌شده از متون به منظور دستیابی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی، طراحی الگوی مفهومی فرایندی مرتبط با شاخص‌های به دست‌آمده حوزه مورد مطالعه، متون تخصصی اسلامی، ابزار گردآوری اطلاعات، جست‌وجوی پیشرفته در بانک‌های اطلاعاتی علمی و تخصصی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله‌بندی استقرایی شامل ساماندهی متون و اسناد کدگذاری داده‌ها، اختصاص عنوان به کدها، گروه‌بندی کدها، مرتبط ساختن کدها به صورت مضامین مرتبط به هم، ارائه یافته‌ها و در نهایت تدوین الگوی مفهومی فرایندی بود.

به این صورت که ابتدا مفاهیم موجود در متن قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام و سایر کتب دینی مرتبط با سفاهت استخراج شده و به صورت باز کدگذاری شد. در این مرحله که کدگذاری اولیه

متن نیز نامیده می‌شود، مفاهیم و مضامین یا کدهای اساسی استخراج شد. در کدگذاری اولیه که به‌صورت باز انجام شد، کدهای اولیه استخراج‌شده به‌دست آمد؛ در مرحله بعد به‌وسیله کدگذاری محوری، کدها طبقه‌بندی شدند و کدهایی که دارای مفاهیم و مضامین مشترک بودند، تحت یک مقوله نام‌گذاری شدند. کدگذاری محوری از انتزاع بالاتری برخوردار است و الگوهای نهفته در متن را جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین در این روش توصیفی عمیق‌تری از متن حاصل شد.

بنابراین پژوهش حاضر، به روش کیفی انجام شده است. در بخش کیفی، ابتدا واژگان مربوط به نابخردی میان‌فردی، با استفاده از روش حوزه‌های معنایی؛ مانند «جهل»، «سفه»، «بله» و «حمق» استخراج گردید. واژگان یافت‌شده به قاموس‌های اصیل عربی؛ مانند *العین*، *الجیم*، *جمهرة اللغة* و معجم *مقاییس اللغة* عرضه شد؛ سپس به قاموس‌های قرآنی همچون *الطراز الاول* مراجعه گردید که در نهایت واژه «بله» و «حمق» به دلیل عدم تطابق کامل با حوزه سفاقت حذف گردید. از طرفی این دو واژه، مرتبط با گول و فریب خوردن (اغترار) است و این ریشه از معنا در واژه‌های *حُقم* و *بله* در لغت‌شناسی به چشم می‌خورد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ ازهری، ۱۴۲۱ق؛ شیبانی، ۱۹۷۵م)؛ و از طرفی دیگر با بررسی و فهم روایات در سفاقت دانسته شد که از آثار و پیامد فعل سفیه محسوب می‌شود؛ از این‌رو خروج این دو واژه به جهت این است که با فریب‌پذیری و زودباوری انطباق دارد (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴). در این پژوهش، واژگان مربوط به سفاقت از کتب لغوی در روش حوزه‌های معنایی جمع‌آوری شدند. آیات و روایات این ابواب که بالغ بر ۴۶۹ متن دینی بود، به‌وسیله نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع در حجم نمونه (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷م) انتخاب و به‌طور کامل مورد مطالعه و روایات مرتبط از غیرمرتبط غربال شد. عموماً آثار مأثور از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و آثار منقول علمای تا سده پنجم هجری همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و سید رضی از جمله منابع درجه الف و ب به‌شمار می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۰). این غربال منجر به حذف ۱۴۸ روایت و باقی ماندن ۳۲۱ روایت برای بررسی‌های بعدی شد. در مرحله دوم که غربال به‌واسطه عدم ارتباط مفهومی بود، ۹۵ روایت حذف و ۲۲۶ روایت به‌عنوان احادیث برگزیده نهایی برای تحلیل انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری روایات برگزیده، برای تحلیل روایات، از روش تحلیل محتوای کیفی (شیبه و شانون، ۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی استفاده شد. از نگاه شیبه و شانون (۲۰۰۵) تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به‌کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به‌کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله

کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷). بعد از حذف روایات مشابه که تعداد آنها به ۹۶ روایت رسید، در مرحله کدگذاری باز، ۱۷۸ کد حاصل شد. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که برچسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها نسبت می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). واحد تحلیل مورد استفاده در کدگذاری این پژوهش، مضمون است. واحد تحلیل در تحلیل محتوا به بخش‌هایی از متن گفته می‌شود که جدا و رمزگذاری می‌شود (وبر، ۱۹۹۰، به نقل از: مؤمنی راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر نیز، معیار تفکیک هر شماره در جدول کدگذاری باز، رساندن یک کد معنایی مرتبط با موضوع بوده است؛ به‌طوری‌که ممکن است یک جمله حاوی چندین کد معنایی باشد و در چند جا تکرار شده باشد. در کدگذاری محوری کدهای مرحله قبل با یکدیگر مقایسه، موارد مشابه و مرتبط با یکدیگر ادغام و سپس به هرکدام عنوان مناسبی اطلاق گردید. ۲۳ کد محوری شکل گرفت. کدگذاری انتخابی نیز در دو مرحله صورت گرفت: در مرحله اول ۵ مقوله عمده (مؤلفه‌ها، شرایط علی، پیامدها، حوزه‌ها و راهبردهای مواجهه) استخراج شد؛ در مرحله دوم ۱ مقوله هسته به نام سفاقت انتخاب شد؛ سپس پس از ادغام شرایط علی مشترک میان مؤلفه‌ها، روابط میان مؤلفه‌ها، شرایط علی، پیامدها، حوزه‌ها و راهبردهای مواجهه سنجیده و مدل فرآیندی طراحی شد.

روش راهبردی برای ارتقای دقت علمی در تحقیق کیفی: دقت در مطالعات کیفی مهم‌ترین مسئله برای مخاطبین به‌شمار می‌آید و پرسش مداوم در مورد ساختار رویکردها و عملکرد مطالعات کیفی نیز احساس می‌گردد. در مطالعات کیفی، معمولاً اصطلاحاتی همچون دقت علمی^۱ و موثق بودن^۲ (قابلیت اعتماد) به‌جای روایی استفاده می‌گردد (دیویس و داد،^۳ ۲۰۰۲؛ استنباکا،^۴ ۲۰۰۱). دقت علمی در مطالعات کیفی، شامل تمامی فعالیت‌هایی می‌باشد که احتمال داده‌های معتبر را افزایش می‌دهد (رابرتز^۵ و همکاران، ۲۰۰۱). یک مشکل بالقوه در دستیابی به دقت علمی در مطالعه کیفی، تورش (سوش) پژوهشگر است که ناشی از جمع‌آوری و ثبت داده‌ها به‌طور انتخابی و یا تفسیر بر اساس دیدگاه‌های شخصی وی می‌باشد (جانسون،^۶ ۱۹۹۷). برای رفع این مسئله لازم است به انواعی از دقت علمی که در مطالعات کیفی وجود

-
1. Rigour
 2. Trustworthiness
 3. Davies, D., Dodd. J.
 4. Stenbacka, C.
 5. Roberts, P. H.
 6. Johnson, R. B.

دارد؛ مانند معیارهای گوبا و لینکون^۱ کمک گرفت که از گستردگی خاصی برخوردار است. معیارهای گوبا و لینکولن (۱۹۹۴) دارای چهار معیار اعتبار،^۲ انتقال پذیری،^۳ اطمینان پذیری^۴ و تأیید پذیری^۵ است که هریک از اهمیت یکسانی برخوردار و به نوبه خود به طور مجزا در نظر گرفته می شود. اعتبار شامل فعالیت هایی است که احتمال به دست آوردن یافته های معتبر را افزایش می دهد. روش های تأمین اعتبار عبارت اند از: درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم^۶ (گوبا و لینکولن، ۱۹۹۴)، بازیابی توسط همکار^۷ (استومل و ولیز،^۸ ۲۰۰۴)، بازیابی توسط مشارکت کنندگان^۹ (باربور،^{۱۰} ۲۰۰۱؛ دوئل،^{۱۱} ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکولن، ۱۹۹۲)، و چهارمین روش تکنیک مثلث سازی^{۱۲} است و محققان در این پژوهش برای دقت علمی یافته ها از روش مثلث سازی استفاده نموده اند.

تکنیک مثلث سازی (ترکیب و تلفیق): مثلث سازی به استفاده از منابع متعدد داده ها برای ترسیم نتایج، در مورد آنچه حقیقت را تشکیل می دهد، اشاره دارد. هدف مثلث سازی، غلبه به سوگیری های اصلی (ذاتی)^{۱۳} است که ناشی از به کار گرفتن یک روش، یک مشاهده گر و یا یک تئوری در مطالعات می باشد. به کار بردن رویکردهای متعدد در یک مطالعه می تواند منجر به افزایش اعتماد و اعتبار اطلاعات گردد؛ زیرا قدرت یک روش، ضعف روش دیگر را پوشش می دهد؛ همچنین محققین از انواع روش های مثلث سازی به منظور تأیید یافته ها و یا اطمینان از کامل بودن آنها استفاده می نمایند (استروبرت^{۱۴} و رینالدی،^{۱۵} ۲۰۱۱).

-
1. Guba, E.G., Lincoln, Y. S.
 2. Credibility
 3. Transferability
 4. Consistency or Dependability
 5. Confirm ability
 6. Prolonged engagement and persistent observation
 7. Peer debriefing
 8. Stommel, M., Wills, C. E.
 9. Member checking
 10. Barbour, R. S.
 11. Doyle, S.
 12. Triangulation
 13. Intrinsic bias
 14. Streubert, S. H.
 15. Rinaldi, C. D.

روش‌های مثلث‌سازی برای تحقیقات کیفی عبارت‌اند از: الف) مثلث‌سازی منابع داده‌ها^۱ (استفاده از منابع متعدد داده‌ها در مطالعه)؛ ب) مثلث‌سازی محقق^۲ (به‌کار گرفتن بیش از یک پژوهشگر برای جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل یا تفسیر داده‌ها)؛ ج) مثلث‌سازی نظریه (تئوری)^۳ (استفاده از دیدگاه‌های متعدد برای تفسیر داده‌ها)؛ د) مثلث‌سازی روش^۴ (استفاده از روش‌های متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها مانند مصاحبه و مشاهده) (بوسول و کانن، ۲۰۰۷).

اسچیرمیسر^۵ در تحقیق خود تحت عنوان «مطالعه کیفی در نقش زمینه‌های فرهنگی در دیدگاه بیماران توانبخشی» خاطر نشان کرده است که با روش مثلث‌سازی، دقت علمی نتایج مطالعه خود را که از منابع داده‌ها و یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با بیماران، مراقبین بهداشتی و بررسی متون علمی تخصصی است، افزایش داده است (اسچیرمیسر و باخمن، ۲۰۱۲).

یافته‌های پژوهش

با بررسی در آیات و روایات در جهت استخراج مفهوم سفاهت، معلوم گشت که سلاح جهل و نادانی، سفاهت است^۸ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). جهل نقیض عقل (ازهری، ۱۴۲۱ق) و علم (فراهیدی، ۱۴۰۹ق) آمده است. درحقیقت جهل به سه نوع معنا اطلاق می‌گردد: یکی خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانش و مناسب کارهایی می‌دانند که با بی‌نظمی جریان دارد؛ دیگری اعتقاد و باور داشتن چیزی بر خلاف آنچه که هست و همچنین انجام کاری بر خلاف آنچه که باید انجام شود، خواه درباره آن اعتقاد درستی داشته باشد یا اعتقادی ناصحیح و فاسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).

با توجه به اینکه سقیه در مقابل کمی عقل^۹ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) قرار دارد و همچنین در مقابل عدم عقل بیان شده است، آنجا که فرمود: «سقیه سست رأی است... و هیچ خیری نیست در کسی که عقل ندارد»^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)؛ «سفاهت موجب دور شدن از علم و جاهل شدن

1. Data source triangulation
2. Investigator triangulation
3. Theory triangulation
4. Method triangulation
5. Boswell, C. & Cannon, S.
6. Scheermesse, M.
7. Scheermesse, M. & Bachmann, S.

۸. «سِلَاحُ الْجَهْلِ السُّفَه»

۹. «فِي السُّفَه وَكَثْرَةِ الْمَزَاحِ الْخُرْقُ»

۱۰. «يَا بَنِي تَمِيمٍ لَا تُحْضِرُونِي سَفِيهًا فَإِنَّ مَنْ يَسْمَعُ يَخْلُ وَلِكُلِّ إِنْسَانٍ رَأْيٌ فِي نَفْسِهِ وَإِنَّ السُّفِيهَ وَاهِنُ الرَّأْيِ وَإِنْ كَانَ قَوِيَّ الْبَدَنِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»

است و منظور همان عدم علم است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، و در اصطلاح، فقدان علم به این معناست که نسبت به معارف الهی یا علوم ظاهری یا تکالیف شخصی و یا همه آنها علم نداشته باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق) و مخالف طمأنینه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق) و ضد حلم (ابن درید، ۱۹۸۸) شمرده شده است. بنابراین سفاقت ریشه در جهل داشته و از شناخت صحیح نسبت به واقعیات، معارف و علوم محروم و بی نصیب است. این حد از نارسایی در شناخت واقعیات که در سفاقت وجود دارد، فرد را به گمراهی و خسران هدایت می‌نماید.

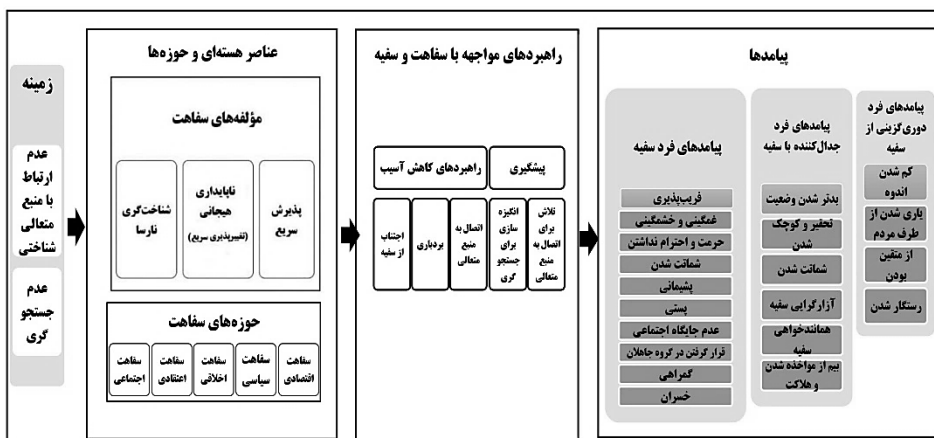
به علت حجم گسترده جداول کدگذاری‌های باز و عدم امکان انتشار آن در مقاله، در این بخش تنها جداول کدگذاری‌های محوری و انتخابی و شماره کدگذاری باز نمایش داده می‌شود؛ همچنین به علت اینکه هدف نهایی این پژوهش ترسیم مدل فرایندی و در واقع نمایش چگونگی روابط کلی میان مؤلفه‌ها، شرایط علی، پیامدها، حوزه‌های سفاقت و راهبردهای مواجهه است، از ذکر یافته‌های جزئی‌تر همچون تفصیل مؤلفه‌ها، پیامدها، حوزه‌های سفاقت و راهبردها پرهیز می‌گردد.

شماره کدهای باز	کدگذاری محوری	کدگذاری‌های انتخابی	
		مقولات عمده	مقوله هسته
۱۰-۱	شناخت‌گری نارسا	مؤلفه‌ها	سفاهت
۱۶-۱۱	ناپایداری هیجانی (تغییرپذیری سریع)		
۲۶-۱۷	پذیرش سریع		
۳۵-۳۱	عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت	زمینه‌ها و شرایط علی	
۳۶	عدم جست‌وجوگری		
۵۷-۳۷	پیامدهای دنیوی	پیامدها	
۶۹-۵۸	پیامدهای اخروی		
۷۹-۷۰	پیامدهای دنیوی		
۸۱-۸۰	پیامد اخروی		
۸۴-۸۲	پیامدهای دنیوی		
۸۵	پیامد اخروی		
۹۷-۸۶	عدم توانایی در حوزه رفتار	حوزه‌های سفاهت	
۱۰۳-۹۸	عدم توانایی در حوزه گفتار		
۱۰۵-۱۰۴	عدم توانایی در حوزه انگیزش		

۱. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السُّفَهَاءُ يُرِيدُونَ أَنْ يَصُدُّونَا عَنْ عِلْمِنَا إِلَى جَهْلِهِمْ»

کدگذاری‌های انتخابی		کدگذاری محوری	شماره کدهای
		سفاهت اعتقادی	۱۱۷-۱۰۶
		سفاهت اخلاقی	۱۲۳-۱۱۸
			۱۴۳-۱۲۴
		سفاهت سیاسی	۱۴۸-۱۴۴
		سفاهت اقتصادی	۱۵۳-۱۴۹
راهبردهای مواجهه	راهکارهای پیشگیرانه	انگیزه‌سازی برای جست‌وجوگری	۱۵۴
		تلاش‌گری برای اتصال به منبع متعالی	۱۵۵
	راهکارهای کاهش آسیب در مواجهه با فرد سفیه	بردباری	۱۷۰-۱۵۶
		اجتناب از سفیه	۱۷۷-۱۷۰
		اتصال به منبع متعالی	۱۷۸

این مدل از پانزده جزء برای سفاهت تشکیل شده است که دو جزء آن اشاره دارد به شرایط علی (عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری)، و سه جزء آن اشاره دارد به مؤلفه‌ها (شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی، پذیرش سریع)، و سه جزء آن اشاره دارد به پیامدها (مربوط به فعل سفیه، مربوط به فعل جدال با سفیه، مربوط به فعل دوری‌گزینی از سفیه)، و پنج جزء آن اشاره دارد به حوزه‌های سفاهت (سفاهت اجتماعی، سفاهت اعتقادی، سفاهت اخلاقی، سفاهت سیاسی، سفاهت اقتصادی)، و دو جزء به راهبردهای مواجهه با سفیه (راهکارهای پیشگیرانه و راهبردهای کاهش آسیب در مواجهه) اشاره دارد.



شکل ۱: زمینه، عناصر هسته‌ای، حوزه‌ها، راهبردهای مواجهه با سفاهت و سفیه و پیامدهای آن

بحث و نتیجه‌گیری

روان‌شناسی مبتنی بر مبانی زیادی از شناخت‌هاست. روان‌شناسی قرآنی نیز باید مبتنی بر مبانی باشد که مورد تأیید و تأکید قرآن است (کاویانی، ۱۳۹۳). توجه به بررسی آیات قرآن و روایات و تمرکز بیشتر در شناسه‌های باز کشف‌شده، این نتیجه حاصل شد که یک جهان‌بینی خاصی در متون دینی وجود دارد که متفاوت از جهان‌بینی معمول در منابع عمومی روان‌شناسی است. دین اسلام جهت تأثیرگذاری در جنبه‌های مختلف ابتدا در حوزه‌های مختلف یک جهان‌بینی در شاکله و ذهن آدمی ایجاد می‌کند تا وی را آماده پذیرش مفاهیم مختلف بکند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترکیب شرایط و زمینه مشترک و جایگاه آن از یک سو و از سوی دیگر ترکیب ویژگی‌های اختصاصی مؤلفه‌ها، به سفاقت منجر می‌گردد. حال، قبل از ورود به مقولات عمده ابتدا لازم است به تعریفی از سفاقت پردازیم.

در تبیین مدل گفته شد که برخی مقولات زمینه‌ساز سفاقت هستند. نقش زمینه‌ها و شرایط در مدل به این صورت است که تا این موارد محقق نشوند، هسته مرکزی و همچنین پیامد آن حاصل نمی‌شود و یا به صورت ناقص حاصل می‌شود. زمینه مطرح‌شده عبارت بودند از: عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری.

عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت: با توجه به اینکه سلاح جهل، سفاقت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، توصیه به دیگران بر بت‌پرستی: «أَفَعَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» نشانه جاهلانه بودن این عمل است (زمر: ۶۴) و سفاقت این افراد روشن می‌شود؛ چراکه خطاب «أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» اشاره دارد به اینکه با توجه به ادله روشن در یگانگی خدا در ربوبیت و الوهیت^۱ (زمر: ۶۲)، پیشنهاد پرستش غیرخدا، چیزی جز نفهمی و نادانی آنان نمی‌تواند باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). هنگامی که کفار و مشرکان گاهی پیامبر اسلام ﷺ را دعوت می‌کردند که خدایان آنها را احترام و پرستش کند، و یا حداقل از عیب‌جویی و انتقاد نسبت به بتها بپرهیزد، مفهوم عمیق‌تری پیدا می‌کند، و با صراحت اعلام می‌دارد که مسئله توحید و نفی شرک مطلبی نیست که بتوان بر سر آن معامله و سازش کرد، شرک باید در تمام چهره‌هایش در هم کوبیده شود و از صفحه جهان محو گردد! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

به‌خوبی می‌توان نتیجه گرفت که توحید در عبادت یک حقیقت غیرقابل انکار است؛ تا آنجا که هیچ انسان فهمیده و عاقلی نباید به خود اجازه دهد که در برابر بتها سجده کند؛ لذا برای مرتکبین این عمل خداوند با لحنی قاطع و تشددآمیز عبادت غیر خود را محکوم به جهل اعلام می‌دارد. آیا این جهل و نادانی نیست که انسان این همه نشانه‌های خدا را در عالم هستی که گواه بر علم، قدرت، تدبیر و

۱. «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ»

حکمت اوست رها کرده و به موجودات بی‌ارزشی بچسبد که مبدأ هیچ اثر و منشأ هیچ خاصیتی نیستند؟ از این رو بت‌پرستان عموماً مردمی جاهل و سفیه‌اند؛ نه تنها نسبت به پروردگار جهل دارند که مقام والای انسانی خود را نیز نشناخته و لگدمال کرده‌اند.

در نتیجه با بررسی و توجه به آیات قرآن یکی از عوامل سفاهت بی‌ایمانی است. در اصل، ایمان زمینه مقابله با جهالت^۱ (حجرات: ۶) است؛ چراکه روی گردانی از آیین ابراهیم^ع موجب سفاهت است^۲ (بقره: ۱۳۰). اعراض از ملت و کیش ابراهیم^ع از سفاهت نفس است، و ناشی از تشخیص ندادن اموری است که نافع به حال نفس است، از اموری که مضر به حال آن است و از این آیه معنای روایت معروف «ان العقل ما عبد به الرحمن»؛ عقل چیزی است که با آن رحمان عبادت شود، استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)؛ چراکه حضرت ابراهیم^ع می‌تواند یک الگو و اسوه برای همه حق‌طلبان جهان باشد، و مکتب او به‌عنوان یک مکتب انسان‌ساز مورد استفاده همگان قرار گیرد. وقتی انسانی، آیینی را با این پاکی و درخشندگی رها کند و در بی‌راهه‌های شرک و کفر و فساد گام بگذارد، سفاhti بیش نیست. آیینی که با روح و فطرت انسان آشنا و سازگار است، و با عقل و خرد هماهنگ، آیینی را که هم آخرت در آن است و هم دنیا، رها کند و به سراغ برنامه‌هایی برود که دشمن خرد و مخالف فطرت و تباه‌کننده دین و دنیاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)؛ از این رو بی‌ایمانی زمینه برای سفاهت است.

همچنین با توجه به آیه ۱۳ سورة بقره: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ»، از زمینه‌های سفیه بودن، تمرد از ایمان و ایمان نیاوردن است. مسئله دیگر این است که سفیهان خود را عاقل و هوشیار دانسته‌اند؛ درحالی‌که شیطنیت و دورویی و نفاق را دلیل بر هوش و عقل و درایت می‌شمارند و مؤمنان را به سفاهت، ساده‌لوح و خوش‌باور متهم می‌کنند و می‌پندارند؛ درحالی‌که خودشان نمی‌دانند، خود سفیه هستند: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۳). آیا این سفاهت نیست که انسان خط زندگی خود را مشخص نکند و در میان هر گروهی به رنگ آن گروه در آید و به جای تمرکز و وحدت شخصیت، دوگانگی و چندگانگی را پذیرا گردد، استعداد و نیروی خود را در طریق شیطنیت و توطئه و تخریب به کار گیرد، و در عین حال خود را عاقل بشمرد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

عدم جست‌وجوگری: عدم تفحص و تبیین و عدم شناخت نسبت به موضوعات کلی و جزئی، نشان از جهل است؛ چنانچه در قرآن می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید»^۳ (حجرات: ۶). بنابراین

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»

۲. «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَلَفْنَا فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

۳. «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»

ایمان زمینه مقابله با جهالت است و علاوه بر آن برای دچار جهل نشدن نیاز به تبیین و تفحص است. گاهی افراد بدون اینکه تفحص و تحقیقی داشته باشند، به گروه‌ها و دسته‌هایی از منحرفان گرایش پیدا می‌کنند که زمینه جهل و بی‌ایمانی آنها را فراهم می‌سازد و از طرفی هم ایمان نیابردن زمینه سفاقت را فراهم و فرد را در سفیه بودن تقویت می‌نماید.

در مدل تدوین شده در تحقیق حاضر سه مؤلفه اصلی مطرح شده است. این سه مؤلفه در واقع جمع تمام کدهای یافت شده در مراحل مختلف کدگذاری است. اینک به توضیح هر کدام از مؤلفه‌ها می‌پردازیم. قابل ذکر است که سه مؤلفه شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی و پذیرش سریع، در کنار هم یک مشکل اجتماعی بزرگ تحت عنوان سفاقت را به وجود می‌آورد.

شناخت‌گری نارسا: یکی از سه مؤلفه در بخش هسته مرکزی مدل مفهومی سفاقت، «شناخت‌گری نارسا» است. اگر بخواهیم کنش سفیهانه را بشناسیم، باید از این جهت که آیا نسبت به حق و حقیقت دوری و پرهیز می‌کند؟ را سنجید. با توجه به بررسی‌هایی که در روایات و لغت‌شناسی انجام شد، سفاقت از ریشه جهل (بن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق) گرفته می‌شود و بسیار با معنای بی‌خردی ارتباط دارد و از آن نشئت می‌گیرد (فراهدی، ۱۴۰۹ق) و سلاح جهل و نادانی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). سفاقت از طرفی نقیض حلم (کلینی، ۱۴۰۷ق) و از طرف دیگر، دارای ضعف عقل است که با مفاهیم خفت، سخیف بودن و نزق (شتاب داشتن در نادانی) ارتباط معنایی دارد (موسی، ۱۴۱۰ق؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و حتی بدتر از آنکه در روایات سفیه به نبود عقل معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق). چنانچه افرادی آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام می‌شمردند و فرزندان خود را می‌کشتند، که اینها از روی سبک مغزی و جهالت مرتکب می‌شدند^۱ (انعام: ۱۴۰) که نشان از نبود عقل در اینان است؛ به این معنا که فرد سفیه دارای رفتارهای غیرهوشمندانه است و منجر می‌شود که فرد سفیه در رأی و نظر خطا کند (شیبانی، ۱۹۷۵)؛ چراکه سفیهان افرادی هستند با داشتن و دیدن شواهد، باز خواسته‌های نامعقول می‌کنند و می‌خواهند حق را نپذیرند؛ چنانچه سفیهان با دیدن آن همه معجزات، باز هم تقاضای دیدن خدا یا شنیدن صدای خدا را داشتند^۲ (اعراف: ۱۵۵). درحقیقت سفیهان کسانی هستند که در برابر حق نادانی و به اهل حق طعنه می‌زنند و نسبت به حق سبک‌شماری می‌کند^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ به مانند اینکه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را انکار و از دشمنان پیروی می‌نمایند و

۱. «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»

۲. «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَائِي أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ»

۳. «إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ غَمُّصُ الْخَلْقِ سَفَهَ الْحَقِّ»

بیزاری نمی‌جویند و افرادی که با اهل بیت علیهم‌السلام می‌جنگند از سفیهان شمرده شده‌اند^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)؛ از این رو لازم است از این افراد نیز دوری و اجتناب نمود^۲ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق). از این روست که به والدین سفارش شده است از همان دوران کودکی به فرزندان خود حکمت^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق) و آداب^۴ (قمی، ۱۳۸۷ق؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق) بیاموزند تا مبدا دچار گروه مرجئه^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ طوسی، ۱۴۰۱ق) شوند.

حال اگر میزان شناخت، ارزیابی و تعمق فرد نسبت به موضوعات و وقایع و حقیقت‌ها بیشتر باشد، در موقعیت‌های اجتماعی بهتر می‌تواند به ابعاد آن مسئله بپردازد و از گرایش به انحرافات در امان باشد تا به پیامدهای سهمگین سفیه دچار نگردد. فردی که معنای مفاهیمی چون علم، تبیین، حکمت و ایمان را بهتر درک می‌کند، می‌تواند در شرایط مختلف از آنها در راستای بهبود روابط میان فردی خود استفاده نماید.

ناپایداری هیجانی (تغییرپذیری سریع): فرد سفیه در رفتار و افکار خود نوعی شتابزدگی و عجله دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م)؛ به‌نوعی که سفیه از یک ناپایداری هیجانی در رنج است که در موقعیت‌های اجتماعی و روابط بین فردی در تغییر افکار و رفتار سرعت دارد و شتابزده عمل می‌کند (ابن‌درید، ۱۹۸۸م)؛ به‌طوری‌که در روابط، آزار و اذیت^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و هر آنچه را که بخواهد به زبان می‌آورد^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و تحت هیچ شرایطی از خود بردباری و حلم نشان نمی‌دهد^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲). این‌گونه افراد از دور سفیه می‌گریزند و روابط میان فردی او دچار مشکل می‌شود و این نتیجه کمبود عقل و خرد است و تأثیر خود را در کارهای دنیوی (نساء: ۵) و اخروی (بقره: ۱۳ و ۱۴۲؛ جن: ۴) او می‌گذارد. در نتیجه از ویژگی‌های اساسی سفیه، تغییر سریع در رفتارها و افکار و بدون بردباری است و فرد با داشتن این صفت هم نمی‌تواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد؛ چراکه در تعقل دچار مشکل است و این مسئله زندگی دنیوی او را تحت تأثیر قرار

۱. «الْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَالَّذِينَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

۲. «يَاكَ وَالسَّفَهَ فَإِنَّهُ يُوحِشُ الرَّفَاقَ»

۳. «سَأَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ابْنَهُ الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: يَا بَنِي مَا الْعَقْلُ؟ قَالَ: حِفْظُ قَلْبِكَ مَا اسْتَوْدَعْتَهُ... يَا حَارِثُ، عَلِّمُوا هَذِهِ الْحِكْمَ أَوْلَادَكُمْ؛ فَإِنَّهَا زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ وَالْحَزْمِ وَالرَّأْيِ»

۴. «قَالَ لُقْمَانُ: يَا بَنِي إِنْ تَادَبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا، وَمَنْ عَنَّا بِالْأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ، وَمَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَكَفَّلَ عَلَيْهِ، وَمَنْ تَكَفَّلَ عَلَيْهِ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ، وَمَنْ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ أَدْرَكَ بِهِ مَنَفَعَةٌ»

۵. «يَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ»

۶. «لَا تُتَمَارَيْنَنَّ سَفِيهًا فَإِنَّ السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ»

۷. «إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُتَارَعَةٌ نَزَلَ مَلَكَانِ يَقُولَانِ لِلْسَّفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتَ وَقُلْتَ وَأَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتَ سَتَجْزِي بِمَا قُلْتَ وَيَقُولَانِ لِلْحَلِيمِ مِنْهُمَا صَبَرْتَ وَحَلُمْتَ سَيَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ إِنْ أَتَمَمْتَ ذَلِكَ قَالَ فَإِنْ رَدَّ الْحَلِيمُ عَلَيْهِ ارْتَفَعَ الْمَلَكَانِ»

۸. «لَيْسَ السَّفَهُ كَالْحِلْمِ / الْحِلْمُ وَضِدُّ السَّفَهُ»

می‌دهد و نیز نمی‌تواند عاقبت و زندگی اخروی خود را تأمین نماید؛ از این رو از مسیر حق خارج می‌گردد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق).

پذیرش سریع: از آنجایی که عدم علم از زمینه‌های سفاقت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق)، سفاقت موجب دور شدن از علم و منجر به جاهل شدن خویش می‌شود^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق)، و سفاقت و غفلت همراه همدیگر هستند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق)؛ به طوری که سفیه از سفاقت خود آگاهی ندارد^۳ (بقره: ۱۳)؛ از این رو نباید از سفیه انتظار سخن حکیمانه داشت^۴ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ چنان که برای بت‌پرستی به دیگران توصیه می‌کنند^۵ (زمر: ۶۴) و بدتر از آن درباره خدا سخنی دور از حق می‌گویند^۶ (جن: ۴). علاوه بر اینها چون سفیهان از حقیقت دور هستند و حقایق را نمی‌بینند، دچار خواسته‌های نامعقول و غیرمنطقی می‌شوند (اعراف: ۱۵۵)، و حتی برای اینکه به دیگران آسیب نرسد، از واقعیات موجود خبر نمی‌گیرند و تفحص نمی‌کنند (حجرات: ۶). بنابراین مواردی همچون، عدم علم، غفلت، عدم آگاهی از سفاقت خویش، ندیدن حقایق، پریشان‌گویی و خواسته‌های احمقانه داشتن، نشان از نوعی تلاطم و آشفتگی سفیه در حوزه شناختی است و با تمام این ویژگی‌ها چه خواسته‌ها از سوی دیگران باشد و چه از سوی خود که در ذهن خویش می‌پروراند، سرعت در پذیرش خواسته‌ها را بالا برده و فعل سفاقت محقق می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در ادبیات دینی، به جهت وجود مؤلفه‌ها، حوزه‌های سفاقت در عرصه‌های مختلف از قبیل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌شود، که توضیح هریک از عرصه‌ها را بیان خواهیم نمود.

سفاقت اعتقادی: آنچه که اصل دین را تزلزل نماید، تحت سفاقت اعتقادی معرفی و سفاقت در دین نامیده می‌شود. از نشانه‌های سفاقت اعتقادی از قبیل شرک و تشطط به خداوند (زمر: ۶۴؛ جن: ۴)، انکار قیامت و لقای پروردگار (کهف: ۱۰۵؛ ابن بابویه: ۱۳۷۸ق)، دروغ بستن به خدا و حرام کردن روزی خداوند (انعام: ۱۴۰)، انکار ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و پیروی از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام^۷ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، تمرد

۱. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السُّفَهَاءُ يَرِيدُونَ أَنْ يَصُدُّوا عَنْ عِلْمِنَا إِلَى جَهْلِهِمْ»

۲. «لَا يَكُونُ السُّفَهَاءُ وَالْعَرَّةُ فِي قَلْبِ الْعَالِمِ»

۳. «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ»

۴. «غَرِيبَتَانِ كَلِمَةُ حَكِيمٍ مِنْ سَفِيهِ فَأَقْبَلُوهَا وَكَلِمَةُ سَفِيٍّ مِنْ حَكِيمٍ فَأَعْفِرُوهَا»

۵. «قُلْ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ»

۶. «وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا»

۷. «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا... بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»

از ایمان^۱ (بقره: ۱۳) و افکار یهود^۲ (ابن بابویه، ۱۳۶۲) می‌باشد. ریشه تمام این نشانه‌ها به جهت جهل داشتن نسبت به حق و حقیقت است؛ چراکه سفاقت به معنای جاهل بودن به حق است^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ق؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق؛ بحرانی، ۱۳۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ درحالی که خود سفیه نسبت به جهالتش نیز علم ندارد و نمی‌داند (بقره: ۱۳).

سفاقت اخلاقی: از نشانه‌های سفاقت اخلاقی از قبیل نفاق^۴ (منسوب به جعفر بن محمد^۵، ۱۴۰۰ق)، برائت نورزیدن از دشمنان اهل بیت^۶ از جمله (بیزاری نجستن از دشمنان،^۷ بیزاری نجستن از کسانی که با اهل بیت^۸ می‌جنگند،^۹ طرح دوستی با پیشوایان ضلالت^{۱۰}) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، سبک شمردن حق^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷ق)، گناه‌ورزی و سبک‌شماری شهوات^{۱۲} (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱۴۱۳ق، ۱۳۶۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، پیشوای جور و ستم^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، کشتن بزرگان^{۱۴} (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، نشناختن حق بردبار^{۱۵} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، فحاشی کردن^{۱۶} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، دشمنی کردن^{۱۷} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، بدگویی^{۱۸} (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، گرایش دادن به بدی‌ها^{۱۹} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، دروغ‌گویی^{۲۰} (اعراف: ۶۶)، درخواست نیازمند از نیازمند^{۲۱} (علی بن الحسین^{۲۲}،

۱. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا... أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ»

۲. «قَدِمَ يَهُودِيَانِ أَخَوَانِ مِنْ رُؤَسَاءِ الْيَهُودِ بِالْمَدِينَةِ فَقَالَا يَا قَوْمِ إِنَّا نَبِينَا حَدَّثَنَا عَنْهُ أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ نَبِيُّ بَيْتَاهُمَا يَسْفَهُ»

۳. «سَفَهُ الْحَقُّ قَالَ يَجْهَلُ الْحَقُّ وَيَطْعُنُ عَلَى أَهْلِهِ»

۴. «وَعَلَامَةُ التَّفَاقُ... السَّفَهُ»

۵. «الْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ»

۶. «الْبَرَاءَةُ مِنْ... الَّذِينَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

۷. «وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْبَاهِ عَاقِرَى النَّاقَةِ أَشْقِيَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»

۸. «إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ عَمَصُ الْخَلْقِ سَفَهُ الْحَقِّ»

۹. «فَإِنْ غَلَبَ هَوَى الْعَقْلِ عَمَلَ الرَّجُلُ بِالطَّيِّشِ وَالسَّفَهُ / مَعَشَرَ السُّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَإِخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَتْ عَلَيْكُمُ الشُّقُوعُ وَثَقَلَتْ عَلَيْكُمُ السَّعَادَةُ»

۱۰. «وَالْبَرَاءَةُ مِنَ الْإِتِّصَابِ وَالْإِزْلَامِ إِيْمَةُ الضَّلَالَةِ وَقَادَةُ الْجَوْرِ كُلُّهُمْ أَوَّلُهُمْ وَآخِرُهُمْ»

۱۱. «قَتَلُوا الْأَتْصَارَ وَالْمُهَاجِرِينَ وَأَهْلَ الْفَضْلِ وَالصَّلَاحِ»

۱۲. «لَا يَعْرِفُ السَّفِيهُ حَقَّ الْحَلِيمِ»

۱۳. «أَسْفَهُ السُّفَهَاءِ الْمَتَّبِحُ بِفُحْشِ الْكَلَامِ»

۱۴. «الْمُخَاصَمَةُ تُبْدِي سَفَهُ الرَّجُلِ وَلَا تَزِيدُ فِي حَقِّهِ»

۱۵. «كَثْرَةُ السَّفَهُ تُوجِبُ الشُّنَّانَ وَتَجْلِبُ الْبَغْضَاءَ»

۱۶. «السَّفَهُ يُجْلِبُ الشَّرَّ»

۱۷. «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»

۱۸. «وَوَرَّيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُحْتَاجُ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَضَلَّةً مِنْ عَقْلِهِ»

۱۳۷۶)، جزع کردن^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)، خساست^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، شرب خمر^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق) می‌باشد.

سفاقت اجتماعی: از نشانه‌های سفاقت اجتماعی از قبیل خوارشدن نسبت به بالادستان^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، از دست دادن دوستان^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، پریشان‌گویی^۶ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، دروغ‌گویی (اعراف: ۶۶)، نیش و کنایه زدن^۷ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، فرافکنی^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، متعهد نبودن (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، سست رأی بودن^۹ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، و داشتن رفتارهای آزارگرایانه به دیگران از جمله بهره‌کشی^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق)، حفظ نکردن شأنیت مخاطب خود و ادا نکردن حقوق آنان^{۱۱} (ابن بابویه، ۱۳۶۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، خوارکردن و عیب‌جویی کردن دیگران^{۱۲} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، زورگویی به زیردستان^{۱۳} (کلینی، ۱۴۰۷ق) می‌باشد.

سفاقت سیاسی: از نشانه‌های سفاقت سیاسی از قبیل مخالفت با امام و رهبر^{۱۴} (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)، بدون دلیل تعصب ناروا داشتن^{۱۵} (شریف رضی، ۱۴۱۴ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)، فتنه‌انگیزی^{۱۶} (مجلسی، ۱۴۰۳ق)، عدم بصیرت مردم و حکومت به دست ناهل افتادن^{۱۷} (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق) می‌باشد.

۱. «لَهَا السَّيِّئَةُ أَنْتَ تَجْزَعُ»

۲. «مَنْ كَثُرَ سَفَهُهُ اسْتُرْذِلَ»

۳. «فَأَيُّ سَفِيهِ أَسْفَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ»

۴. «إِنَّ السَّفَهَ خُلِقَ لِثَمِيمٍ... يَخْضَعُ لِمَنْ هُوَ فَوْقَهُ»

۵. «يَاكَ وَالسَّفَهَ فَإِنَّهُ يُوْجِسُ الرِّفَاقَ»

۶. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ»

۷. «لَا يَقُومُ السَّفِيهِ إِلَّا مَرُّ الْكَلَامِ»

۸. «إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُنَازَعَةٌ نَزَلَ مَكَانَ قِيْقُولَانَ لِلْسَّفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتُ وَقُلْتُ وَأَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتُ»

۹. «يَا بَنِي ثَمِيمٍ لَا تُحْضِرُونِي سَفِيْهًا فَإِنَّ مَنْ يَسْمَعُ يَخْلُ وَلِكُلِّ إِنْسَانٍ رَأْيٌ فِي نَفْسِهِ وَإِنَّ السَّفِيْهَ وَاهِنُ الرَّأْيِ وَإِنْ كَانَ قَوِيَّ الْبَدَنِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»

۱۰. «خُذُوا عَلَى يَدَيِ الظَّالِمِ السَّفِيْهِ»

۱۱. «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةِ شَرِيفٍ مِنْ وَضِيعٍ وَحَلِيمٍ مِنْ سَفِيْهِ وَبَرٍّ مِنْ فَاجِرٍ»

۱۲. «دَعِ السَّفَهَ فَإِنَّهُ يَزِرُ بِالْمَرْءِ وَبِشَيْئِهِ»

۱۳. «إِنَّ السَّفَهَ خُلِقَ لِثَمِيمٍ يَسْتَطِيلُ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ»

۱۴. «قَدْ كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ هَذِهِ الْحُكُومَةِ فَأَيُّكُمْ عَلَى إِيَّاءِ الْمُنَازِدِينَ حَتَّى صَرَفْتُ رَأْيِي إِلَى هَوَاكُمْ وَأَنْتُمْ مَعَاشِرُ أَخَفَاءِ الْهَامِ سَفَهَاءُ الْأَحْلَامِ وَلَمْ أَتِ لَا أَبَا لَكُمْ بِجَرٍّ وَلَا أُرَدْتُ لَكُمْ ضَرًّا»

۱۵. «وَلَقَدْ نَفَرْتُ فَمَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ يَتَعَصَّبُ لَشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا عَنْ عِلَّةٍ تَحْتَمِلُ تَمْوِيَةَ الْجُهْلَاءِ أَوْ حُجَّةً تَلِيْقُ بِعُقُولِ السَّفَهَاءِ غَيْرَكُمْ فَإِنَّكُمْ تَتَعَصَّبُونَ لَأَمْرِ مَا يَعْرِفُ لَهُ سَبَبٌ وَلَا عِلَّةٌ أَمَا إِبْلِيسُ فَتَعَصَّبَ عَلَى آدَمَ لِأَصْلِهِ وَطَعَنَ عَلَيْهِ فِي خَلْقِهِ فَقَالَ أَنَا نَارِي وَأَنْتَ طِينِي»

۱۶. «وَكُنُّوا أَيْدِي سَفَهَائِكُمْ عَنْ [مُضَادَّتِهِمْ] مُضَارَّتِهِمْ وَالتَّعَرُّضِ لَهُمْ فِيمَا اسْتَنْبَيْتُمْ مِنْهُمْ»

۱۷. «وَلَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ [هَذِهِ الْأُمَّةَ] أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا»

سفاهت اقتصادی: از نشانه‌های سفاهت اقتصادی نداشتن فهم و نابخردی در امور مالی^۱ (نساء: ۵؛ بقره: ۲۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق) معرفی شده است. در مدل تدوین‌شده در تحقیق حاضر، با مجموعی از شرایط و زمینه‌ها؛ مانند عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری، و ویژگی‌ها و عناصر هسته‌ای و ذاتی سفاهت (شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی، پذیرش سریع)، فرد سفیه گرفتار پیامدهای بسیار شدید و ناگوار دنیوی و اخروی خواهد شد. این پیامدها در واقع جمع تمام کدهای یافت‌شده در مراحل مختلف کدگذاری است که به توضیح آنها می‌پردازیم.

پیامدهای سفیه و سفاهت

پیامدهای دنیوی

بر اساس آیات و روایات بررسی‌شده، پیامدهای سهمگین دنیوی سفاهت شامل موارد ذیل می‌باشد:

پشیمانی: خفیف‌ترین پیامد سفاهت، پشیمانی است و این نتیجه و تأثیر عمل جاهلانه است و طبق ویژگی‌های مؤلفه‌ها که در هسته مرکزی سفاهت قرار دارند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین آن جهالت شمرده شد. یکی از اعمال جاهلانه که این پیامد را دربر دارد، عدم تفحص و جست‌وجو نسبت به یک خبر است؛ چراکه با جهل و عدم شناخت نسبت به موضوعی ممکن است به خود و دیگران آسیب برساند^۲ (حجرات: ۶)؛ چراکه سستی و اهمال در انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، در وهله اول با سرپوش گذاشتن و غفلت، امکان دارد که در ظاهر، پیامدی نداشته باشد، ولی آن‌گاه که جزء جدایی‌ناپذیر زندگی فرد گردید، باعث غرقه شدن در سیلاب پشیمانی می‌گردد و پشیمانی، وجود شخص را فرا می‌گیرد^۳ (لثی واسطی، ۱۳۷۶).

فریب‌پذیری: از آنجایی که یکی از زمینه‌های سفاهت عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت است، علت این پندار فریب خوردن آنان در برابر تمایلات و لذائذ مادی است. علت این است که از امور آخرت منقطع شده، و رو به دنیا آوردند؛ چون بین فریب خوردن از دنیا و بازیچه گرفتن دین خدا، ملازمه است. وقتی انسان نسبت به کام گرفتن از لذت‌های مادی، افسار گسیخته شد و همه کوشش خود را، صرف آن نمود، قهراً از کوشش در دین حق اعراض نموده و آن را شوخی و بازیچه می‌پندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)؛ از این‌رو نسبت به افراد بالادست خود ذلیل، و خفت و پستی را تجربه می‌نماید (کلینی،

۱. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ / مَا أَلْفَاهُ قَالَ الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ»

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»

۳. «مَنْ أَطَاعَ التَّوَّابِي أَخَاطَتْ بِهِ النَّدَامَةُ»

۱۴۰۷ق). بنابراین با وجود دو ویژگی ناپایداری هیجانی (سرعت در تغییر) و سرعت در پذیرش (تلاطم در شناخت)، فرد به رفتارهای غیرهوشمندانه دست می‌زند و زمینه را برای اغترار و زودفربیی خود فراهم می‌نماید؛ چراکه سفاقت با زودفربیی قرابت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق).

غمگینی و خشمگینی: هنگامی که سفیه در برابر بردباری دیگران قرار بگیرد، غمگینی و خشمگینی او زیاد خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و غمگینی موجب کاستی توان عملکردی انسان می‌گردد؛ درنتیجه، ناکامی و بی‌بهرگی از دنیا و آخرت را به دنبال دارد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق). این بدان جهت است که فرد غمگین و خشمگین، مایه خسارت دینی و دنیایی انسان می‌شود^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). ترکیب کسالت روحی و ناتوانی عملی پایه‌های سعادت دنیوی را از بین می‌برد^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، و همچنین مانع ادای حقوق به‌ویژه حقوق خداوند متعال نیز می‌گردد و سعادت اخروی را تهدید می‌کند^۴ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق).

حرمت و احترام نداشتن: آنچه بیش از هر عاملی در برقراری ارتباط با هم‌نوعان مهم است، رعایت حرمت و کرامت هم‌نوعان است، اما فرد سفیه دارای احترام و حرمتی نیست و در ادبیات دین نیز سفارش شده است که از آنان باید دوری و اعراض نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق). حال اگر حرمت نفس انسانی نادیده گرفته شود، تردیدی در زوال آن رابطه نیست و هرگز نمی‌توان به استمرار آن امیدوار بود، و علاوه بر آن هنگامی که در پیش‌آمدها به آنان نیاز شد، می‌توان در نیازمندی‌ها به آنان پناه برده شود^۵ (ابن بابویه، ۱۳۶۲)؛ چراکه برای او حرمتی نیست.

شماتت شدن: شماتت، در لغت به معنای شاد شدن به غم دشمن، شادمانی از مکروهی که به دشمن می‌رسد، از رنج دشمن شاد گشتن (دهخدا) و سرزنش کردن است (معین)، اما به جهت نوع رفتارها و گفتارهایی که سفیه دارد، توسط مردم شماتت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ چراکه سفاقت کلید دشنام است و هر که دشنام دهد دشنام داده می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶).

پستی: چنانچه از روایات دانسته می‌شود سفاقت خوی پستی است که باعث می‌شود نسبت به زبردست خود گردن‌فرازی و با آنان زورگویی کند و نسبت به بالادستان خود خوار و زبونی را تجربه نماید^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، و سفیه اندک‌اندک به خاطر قبول ذلت از بالادستان به اجرای فرامین آنان تن

۱. «یاک وَالْکَسْلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِکَ مِنْ حَطِّکَ مِنَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ»

۲. «الْکَسْلُ یَضُرُّ بِالذِّینِ وَالْدُّنْیَا»

۳. «إِنَّ الْأَشْیَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ، ازْدَوَجَ الْکَسْلُ وَالْعَجْزُ فَتَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ»

۴. «یاک وَخَصْلَتَیْنِ الضَّجَرَ وَالْکَسْلَ فَإِنَّکَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ وَإِنْ کَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا»

۵. «أَبْوَابُ السُّفَهَاءِ الَّذِينَ یَحْتَاجُ إِلَیْهِمْ فِی الْحَوَادِثِ وَیُفَرِّعُ إِلَیْهِمْ فِی الْحَوَائِجِ»

۶. «إِنَّ السُّفَهَاءَ خُلِقُوا لِیُطَاعُوا عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَیَخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ»

خواهد داد و این‌گونه در مسیر نامتعادل و دور از حق گرایش پیدا می‌کند. دلیل همین پستی و خواری خود سفیه است؛ این‌گونه که شخص نابخردی که حتی حق نیز داشته باشد، به خاطر سفاهت خود نور حق خویش را خاموش می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق).^۱

عدم جایگاه اجتماعی: با توجه به اینکه فرد سفیه مبتلا به رفتارهای آزارگرانه و آزارشونده می‌شود، جایگاه اجتماعی خود را نیز از دست خواهد داد و علاوه بر این نیز در روایات تصریح شده است که نسبت به آبرو بی‌اعتنا می‌باشد^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)؛ چراکه ترک هم‌نشینی از سفیهان یکی از ده جزء عافیت‌طلبی شمرده شده^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق) و دوری کردن از سفیه ضرورت دیده شده است.^۴ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، که اینها نشان از این است که سفیهان جایگاه اجتماعی نخواهند داشت. قرار گرفتن در گروه جاهلان: در روایات سفیهان را به زادگان نادانی معرفی کرده است^۵ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، و در بعضی از روایات، از انسان جاهل به‌عنوان انسان بدبخت یاد شده است^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق).

پیامدهای اخروی

بر اساس آیات و روایات بررسی‌شده، پیامدهای سهمگین اخروی سفاهت شامل موارد ذیل می‌باشد:

گمراهی: در عصر جاهلیت عرب قسمتی از احکام خرافی و آداب زشت و ننگین؛ از جمله کشتن فرزندان به‌عنوان قربانی بتها، و یا زنده‌به‌گور کردن دختران به‌عنوان حفظ حیثیت قبیله و خانواده را به شدت محکوم کرده و وضع آنها را روشن می‌سازد. کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و جهل کشتند، گمراه شدند^۷ (انعام: ۱۴۰). اینان هم از نظر انسانی و اخلاقی، و هم از نظر عاطفی، و هم از نظر اجتماعی، گرفتار خسارت و زیان گشتند و از همه بالاتر خسارت معنوی در جهان دیگر است. با توجه به آیه ۱۴۰ سورة انعام سه تعبیر برای فردی که عمل سفیهانه دارد بیان شده است: ۱. خسران و زیان (خَسِرَ)؛ ۲. سبک مغزی (سَفْهًا)؛ ۳. عمل جاهلانه (بَغْيٍ عَلِيمٍ)، که با دو تعبیر، عمل سفیهانه را محکوم و پیامد آن را مطرح می‌نماید: ۱. گمراهی (قَدْ ضَلُّوا) و ۲. هدایت نیافتن (وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ)؛ چنانچه در

۱. «إِنَّ الْمُحَقَّ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ نَوْرَ حَقِّهِ بِسَفْهِهِ»

۲. «وَمَا السَّفَاهُ قَالَ الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ الْمَتَاهَوْنُ بِعَرَضِهِ»

۳. «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ تَسَعُّ... وَاحِدٌ فِي تَرْكِ مَجَالَسَةِ السَّفَهَاءِ»

۴. «إِيَّاكَ وَالسَّفَهَ فَإِنَّهُ يُوجِسُ الرِّفَاقَ»

۵. «مُعْشَرُ السَّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَأَخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَّتْ عَلَيْكُمُ الشَّقْوَةُ وَثَقُلَتْ عَلَيْكُمُ السَّادَةُ»

۶. «بَيْنَ الْمَرْءِ وَالْحِكْمَةِ نَعْمَةُ الْعَالَمِ وَالْجَاهِلِ شَقِيٌّ بَيْنَهُمَا»

۷. «قَدْ خَسِرَ الدِّينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»

روایات معنای سفاقت را با گمراهان نشستن تعبیر نموده است^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، و همچنین سفیهان را به برادران گمراهی معرفی کرده است^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق).

خسران و خروج از مسیر متعالی: خسران شدیدترین و سخت‌ترین پیامد است که این واژه در آیات قرآن لحن قاطعی برای خطر شرک است، و خطر شرک نیز از عدم پذیرش توحید و بی‌ایمانی نشئت می‌گیرد. شرک دو پیامد خطرناک دارد: نخست حبط اعمال به معنی محو آثار و پاداش عمل به خاطر شرک است؛ چراکه شرط قبولی اعمال اعتقاد به اصل توحید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)؛ و دوم گرفتار خسران و زیان زندگی شدن است^۳ (زمر: ۶۵). حبط عمل و خسران و زیانکار شدن این افراد به خاطر این است که بزرگ‌ترین سرمایه را که عقل و خرد است در این دنیا از دست داده و جز حسرت و اندوه متاعی نخریدند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)، و چون آنها عملی که قابل سنجش و ارزش باشد ندارند؛ لذا روز رستاخیز ترازویی برای ایشان بپا نخواهد شد: «فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (کهف: ۱۰۵)؛ زیرا خیری برای آنها باقی نماند و همه تباہ و نابود شد. به این منظور که اسباب سعادت اخروی بر سفیهان گران و سنگین می‌باشد^۴ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق).

پیامدهای دنیوی و اخروی جدال با سفیه

با توجه به دستورات دینی و پیامدهایی که برای خود سفیه بیان شد، لازم و ضروری است از افرادی که سفیه هستند دوری و اعراض جست^۵ (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق)، و پیامدهای مثبتی نیز برای این رفتار بیان شده است که بعد از بیان پیامدهای افرادی که قصد دارند با فرد سفیه به مبارزه بپردازند، به پیامدهای آن می‌پردازیم. این پیامدها در واقع جمع تمام کدهای یافت‌شده در مراحل مختلف کدگذاری است که به ذکر آنها می‌پردازیم.

پیامدهای مبارزه کردن با شخص سفیه برای اینکه از جهل‌شان بیرون آیند، دارای پیامدهای دنیوی از قبیل: دشمنی ورزیدن و مورد آزار و اذیت قرار گرفتن از سوی سفیه^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، مورد دشنام قرار گرفتن از سوی سفیه^۷ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، ضایع کردن حق^۸ (ابن بابویه، ۱۳۶۲)، سبب بدتر شدن

۱. «فَمَا لَسَفَهُ قَالٍ مُصَاحِبَةُ النَّوَاةِ»

۲. «مَعَشَرَ السُّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَإِخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَّتْ عَلَيْكُمُ الشَّقْوَةُ وَنَقَلَتْ عَلَيْكُمُ السَّعَادَةُ»

۳. «...لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

۴. «مَعَشَرَ السُّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَإِخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَّتْ عَلَيْكُمُ الشَّقْوَةُ وَنَقَلَتْ عَلَيْكُمُ السَّعَادَةُ»

۵. «وَقَابِلِ السَّفِيهَ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ...»

۶. «لَا تُمَارِسْ سَفِيهًا فَإِنَّ السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ»

۷. «مَنْ عَدَلَ سَفِيهًا فَقَدْ عَرَّضَ لِسَبِّ نَفْسِهِ»

۸. «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةٍ... وَحَلِيمٌ مِنْ سَفِيهٍ...»

وضعیت و شعله‌ور شدن آتش^۱ (منسوب به جعفر بن محمد^ع، ۱۴۰۰ق)، انتظار سفیه برای همانندجویی با او^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق)، همانند شدن با آنان در کم‌عقلی و بی‌عقلی^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، تباهی خلق و خوی^۴ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، سبب تحقیر و کوچک شدن^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و همچنین پیامد اخروی بیم از مؤاخذه شدن و هلاکت برای همراه بودن با سفیه^۶ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق) را دارد؛ چراکه حضرت موسی^ع بیان می‌دارد از اینکه آیا انسان به خاطر فعل سفیهان (که با دیدن آن همه معجزات، باز هم تقاضای دیدن خدا یا شنیدن صدای خدا را داشتند) مستحق هلاکت است؟ (اعراف: ۱۵۵).^۷

پیامدهای دنیوی و اخروی دوری‌گزینی از سفیه

پیامدهای دوری و اعراض از سفیه از این قرار است که فرد هم از طرف مردم مورد یاری قرار می‌گیرد^۸ (منسوب به جعفر بن محمد^ع، ۱۴۰۰ق)، و هم اندوه و غم را کمتر می‌کند^۹ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، و همچنین از اینکه سفیه بر فرد مسلط نمی‌شود از نشانه‌های متقین است^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق) که اینها از پیامدهای دنیوی به‌شمار می‌آید و پیامد اخروی آن نیز جز رستگاری^{۱۱} (بقره: ۲ و ۵) نیست.

راهبردهای مواجهه با فعل سفیه

در پایان لازم است بر اساس آیات و روایات طبق جست‌وجوها و کدهای یافت‌شده از ادبیات دینی، راهبردهای مواجهه با سفاقت و فرد سفیه را در دو حیطه پیشگیری و کاهش آسیب بیان نماییم. در مقام پیشگیری از سفاقت و برای اینکه خود یا دیگران در دام مکر نیافتند، لازم است ابتدا از پروردگار استعانت بجویند و نسبت به اتصال به منبع متعالی تلاش نمود^{۱۲} تا در گروه و صف جاهلان

۱. «...لَأَنَّ مَنْ حَارَبَ السَّفِيهَ فَكَأَنَّهُ قَدْ وَضَعَ الْحَطَبَ عَلَى النَّارِ»

۲. «وَأَنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِأَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْجِلْمَ أَهْلُ السَّفَةِ الَّذِينَ يَحْتَاجُونَ أَنْ يُعْفَى عَنْ سَفَاهِهِمْ... وَأَصْبَحَ أَهْلُ السَّفَةِ يَتَمَنُونَ سَفَهَ النَّاسِ»

۳. «مَنْ مَارَى السَّفِيهَ فَلَا عَقْلَ لَهُ / لَا تُنَازِعِ السُّفَهَاءَ... فَإِنَّ ذَلِكَ يَزُرِي بِالْعُقُلَاءِ»

۴. «مُقَارَنَةُ السُّفَهَاءِ تُفْسِدُ الْخُلُقَ»

۵. «مَنْ دَاخَلَ السُّفَهَاءَ حَقَرَ»

۶. «وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا»

۷. «...أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا...»

۸. «وَقَابِلِ السَّفِيهَ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ وَتَرَكِ الْجَوَابَ يَكُنِ النَّاسُ أَتَّصَرَكَ...»

۹. «وَالزَّمُوا مَعَ السُّفَهَاءِ الْجِلْمَ تَقِلْ هُمُومُكُمْ»

۱۰. «لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ الْمُؤَبَّاتِ وَيَتَّقُونَ تَسْلِيطَ السَّفَةِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ»

۱۱. «...لِلْمُتَّقِينَ *...أَوَلَيْكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأَوَلَيْكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ»

۱۲. «قَالَ رَبُّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ»

قرار نگیرند (یوسف: ۳۳)؛ و دوم اینکه به انگیزه‌سازی در جست‌وجوگری پرداخته و به نهی از منکر برای باز داشتن نادانان^۱ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق) بپردازند.

اما طبق دستورات دینی برای کاهش آسیب در مواجهه با فرد سفیه، بعد از استعانت‌جویی از پروردگار و اتصال به منبع متعالی، بردباری و اجتناب بهترین راهکار برای کاهش آسیب بیان شده است. بردباری^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) از جهات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است و نشانه بردباری با فرد سفیه جدال نکردن و پاسخ ندادن به سفیه است و بلیغ‌ترین جواب‌ها^۳ معرفی شده (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)؛ چراکه اصلاً اهلیت و قابلیت پاسخ‌دهی را ندارد؛ حتی اگر حکیم نیز بخواهد با او به مجادله بپردازد، صحبت‌های او نیز بی‌ثمر خواهد بود^۴ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) و زبان نیکوکار در جواب سفیه خاموش می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و از طرفی فرد با ترک جواب، از سوی مردم مورد یاری و کمک قرار می‌گیرد^۵ (منسوب به جعفرین محمدؑ، ۱۴۰۰ق). این نوع از راهکارها از روش‌های عقلا^۶ (لیشی واسطی، ۱۳۷۶)، بهترین دهن‌بند^۷ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) شمرده شده است. علاوه بر آن، برای کم شدن اندوه^۸ (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق) و اینکه یاران انسان علیه او زیاد گردد^۹ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)، بردباری بهترین و کامل‌ترین واکنش علیه سفیهان دانسته می‌شود.

اجتناب کردن و فاصله گرفتن از سفیه بهترین راهکار و ضروری‌ترین امر است^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ چراکه ترک همنشینی نابخردان یکی از ده جزء عافیت دانسته شده^{۱۱} (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، و با نزدیک شدن به او روابط اجتماعی انسان برهم می‌خورد^{۱۲} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) و فرد شبیه به او

۱. «... وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِّلْسَفَهَاءِ...»

۲. «لَا يَنْتَصِفُ مِنْ سَفِيهِ قَطُّ إِلَّا بِالْحِلْمِ عَنْهُ / إِذَا حَلِمْتَ عَنِ السَّفِيهِ غَمَمَتْهُ فَرْدُهُ عَمَّا يَحْلِمُكَ عَنْهُ / مَنْ غَاطَكَ يَفِيحِ السَّفِيهِ عَلَيْكَ قَفِظُهُ بِحَسَنِ الْحِلْمِ عَنْهُ»

۳. «تُرِكَ جَوَابُ السَّفِيهِ أَبْلَغُ جَوَابِهِ»

۴. «أَعْيَا مَا يَكُونُ الْحَكِيمُ إِذَا خَاطَبَ سَفِيهَا»

۵. «وَقَابِلُ السَّفِيهِ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ وَتَرْكُ الْجَوَابِ يَكُنُ النَّاسُ أَنْصَارَكَ»

۶. «لَا يَحْلُمُ عَنِ السَّفِيهِ إِلَّا الْعَاقِلُ»

۷. «الْحِلْمُ قِدَامُ السَّفِيهِ»

۸. «وَالزُّمُّ مَعَ السَّفَهَاءِ الْحِلْمُ تَقْلُ هُمُومُكُمْ»

۹. «وَبِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ»

۱۰. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السَّفَهَاءُ يَرِيدُونَ... فَلَا مَرَجًا بِهِمْ»

۱۱. «بُنِيَ الْبَاقِيَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ... وَاحِدٌ فِي تَرْكِ مَجَالَسَةِ السَّفَهَاءِ»

۱۲. «إِيَّاكَ وَالسَّفَهَاءَ فَإِنَّهُ يُوحِشُ الرَّفَاقَ»

می‌شود و حتی دور کردن مردم از سفیه به خاطر ظلمی که دارد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق) لازم است دست‌های ظالم بی‌عقل را از سر مظلوم کوتاه نمود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا* ﷺ. تهران: جهان.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۶ق). *معانی الأخبار*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری. قم: اسلامی.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ازدی، علی بن عباس (۱۳۸۷). *کتاب الماء*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران - مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اکرمی، روح‌الله (۱۳۹۹). اقرار سفیه در دعاوی کیفری؛ نقدی بر ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی. *فقه و اصول*، ۵۲(۴)، ۳۱-۹.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ کاویانی آرائی، محمد و موسوی اصل، سیدمهدی (۱۳۹۸). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تبریزی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *علوم اجتماعی*، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.
- تیمی‌آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حافظی مجتبی (۱۳۹۹). *مدل مفهومی مرکزیت بخشی ناپهنجار به خود در منابع اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا. مؤسسه اخلاق و تربیت. قم.
- حاتری، مجتبی و صباغی ندوشن، علیرضا (۱۳۹۵). *قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیهانه با تأکید بر آیه منع اکل مال به باطل*. *پژوهش‌های فقهی*، ۱۲(۳)، ۵۴۷-۵۷۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. مؤسسه آل‌البیت ﷺ.
- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسه الإمام المهدی ﷺ.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.
- سلیمانی، صادق (۱۳۹۳). *بررسی مفهوم سفاقت و مراتب آن و حدود اختیارات ولی سفیه در فقه امامیه و اهل سنت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم. دانشکده الهیات.
- الشریف، محمدمهدی؛ جلالی، مریم و اکرمی ابرقوئی، زهرا (۱۳۹۴). *پژوهشی در وضعیت نکاح و مهر سفیه در فقه و حقوق ایران*. *حقوق اسلامی*، ۱۲(۴۳)، ۹۹-۶۹.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (الصبحی صالح)*. قم: هجرت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق). *منیة المرید*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- شبیانی، اسحاق بن ابراهیم. (۱۹۷۵م). کتاب الجیم. قاهره: هیئة العامة لشئون المطابع الاميرية.
- صبغی ندوشن، مریم وحاتری، محمدحسن (۱۳۹۵). تأملی در قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیّه‌انه با تأکید بر آیه ممنوعیت اکل مال به باطل. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۷۸-۴۴، ۵۷.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). منطقی فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه م.ب. موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عامری، مهدی و پورجوهری، رامین (۱۴۰۰). بررسی ماهیت، احکام و آثار بطلان و عدم نفوذ عمل سفیّه در فقه امامیه و حقوق ایران. قانون‌یار، ۵(۱۹)، ۴۱۴-۳۹۱.
- علیزاده قایمیه، محمد (۱۳۸۹). حکمت و سفاقت در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی/علوم قرآن و حدیث. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- علیزاده قایمیه، محمد (۱۳۸۹). حکمت و سفاقت در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- فرجامی، سیامک و معصومی، امیر (۱۴۰۰). واکاوی ماهیت حقوقی قراردادهای هوشمند با تأکید بر اهلیت سفیّه. کنفرانس ملی حکمرانی هوشمند و بایش تحولات نوظهور.
- قطب الدین راوندی، ابوالحسن سعید بن عبدالله (۱۴۰۹ق). قصص الانبیاء. مشهد: مؤسسه تحقیقات اسلامی التابعة للروضة الرضویة المقدسة.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق). تفسیر القمی. تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری. نجف: مکتبه الهدی.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۳). روان‌شناسی در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). أصول الکافی. ترجمه مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدنی شیرازی، عبدالعظیم (۱۳۸۴). الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول. مشهد: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- منتظری شاهرودی، محمدعلی (۱۳۹۱). وضعیت حقوقی و جزایی اموال سفیّه. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۸(۲۸)، ۱۴۸-۱۲۷.
- منسوب به جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
- موسی، حسن یوسف (۱۴۱۰ق). الإفصاح. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. اندازہ‌گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۲۲۲-۱۸۷.
- هاشمی، عباس؛ مشععی، سیدمحمد و فروغی، داریوش (۱۳۹۷). تأثیر تفاوت‌های فردی حساب‌رسان بر تعهد حرفه‌ای آنها: بررسی نقش میانجی سازگاری جو اخلاقی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۹(۲۵)، ۴۳۲-۴۱۵.
- هاشمی خویی، میرزاحبیب الله (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خونی). تهران: مکتبه الإسلامیه.

- Barbou, R. S., (2001). *Checklists for improving rigor in qualitative research: A case of the tail wagging the dog*. *British Medical Journal*, 322, 1115-1117.
- Boswell, C., Cannon, S. (2007). *Introduction to nursing research, incorporating evidence based practice*. Sudbury, Jons and Barlet.
- Davies, D., Dodd, J. (2002). *Qualitative research and the question of rigor*. *Qualitative Health Research*, 12(2), 279-289.
- Doyle, S. (2007). *Member checking with older women: A framework for negotiating meaning*. *Health care for women international*, 28(10), 888-908.
- Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm, L. (1967b). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldire.
- Guba, E., Lincoln, Y. (1992). *Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches*, Jossey-Bass.
- Guba, E. G., Lincoln, Y. S. (1994). *Competing paradigms in qualitative research*, *Handbook of qualitative research*, London CA: Sage.
- Hrgnhan, B. R. & Olson, M. H. (2007). *Introduction to learning theory*. Translated by Ali Akbar Saif. 7 ED. Tehran: Doran publish. (In Persian).
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). *Three approaches to qualitative content analysis*. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Johnson, R. B. (1997). *Examining the validity structure of qualitative research*. *Education*, 118(2), 282-292.
- Baumeister, R. F. (2019). *The Social Psychology of Gullibility: Fake News, Conspiracy Theories, and Irrational Beliefs*.
- Roberts, P. H., Priest, M., Traynor, R. (2006). *Reliability and validity in research*. *Nursing Standard*, 20(44), 41-45.
- Scheermesse, M., Bachmann, S., et al (2012). *A qualitative study on the role of cultural background in patients' perspectives on rehabilitation*. *Musculoskeletal Disorders*, 13, 5
- Stenbacka, C. (2001). *Qualitative research requires quality concepts of its own*. *Management Decision*, 39(7), 551-555
- Stommel, M., Wills, C. E. (2004). *clinical research: concepts and principles for advanced practice nurses*. Philadelphia. lippincott Williams and wilkins.
- Strauss, Anselm; & Corbin, Juliet (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.
- Streubert Speziale, H., Rinaldi Carpenter, D. (2011). *Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative*. Fifth edition, Lippincott wiliams & wilkins co.